

مقدمه



شاید شما هم مثل من به این فکر می‌کنید که چرا برخی افراد تا این حد موفق هستند و برخی دیگر از موفقیت بهره‌ای نبرده‌اند. در طول زندگی همواره به دنبال پاسخی مناسب برای این سؤال بوده‌ام. در این روند، گاهی از خود پرسیده‌ام که کدام ویژگی در تمامی افراد موفق مشترک است. عاملی که برخی را به بالاترین قله‌ها می‌برد و برخی به خاطر نداشتن آن همواره در قعر هستند، کدام است؟

شاید فکر می‌کنی جواب این باشد که بعضی‌ها فرصت‌های بهتری دارند، تحصیلات مناسب‌تری دارند یا برخی تنبل هستند و شکست‌های بدی داشته‌اند. باید بگویم پاسخ درستی نداده‌ای. پاسخ، خوب اندیشیدن است. آن‌هایی که خوب اندیشیدن را آموخته‌اند به‌خوبی رابطه مستقیم سطح تفکر با سطح پیشرفت را می‌دانند. آن‌ها می‌دانند که برای تغییر زندگی خود، باید تفکر خویش را تغییر دهند.

تفاوت ساده این است که نحوه اندیشیدن آدم‌های موفق با اندیشیدن آدم‌های ناموفق متفاوت است.

به همین دلیل است که می‌خواهم راهکارهایی برای خوب اندیشیدن ارائه بدهم. در تمام زندگی، در این مورد پژوهش کرده‌ام بنابراین به‌خوبی به اهمیت اندیشمندی در پیشرفت آدمی واقف هستم. اولین مربی من در این زمینه پدرم، ملوین مکسول بود. او نمونه بارز انسانی بود که زندگی خود را به خاطر تغییر تفکراتش، دگرگون کرد.

اگر برای دوران کودکی پدرم را تعریف کنم، حدس می‌زنی که او باید منفی‌ترین فرد این دنیا باشد. او در شش سالگی مادرش را از دست داد و دوران سنگین غم و تنهایی را تجربه کرد. او کودکی شاد یا امیدوار نبود. اما در سن